

پروژه آمریکایی سلطنت‌طلبان چگونه نافرجام ماند

جنگ زیر میز کودتا



آن می‌توانست موفقیت روحی و روانی ارتش را به طور کامل متزلزل کند». ارتباط آیت‌الله شریعتمداری با کودتا، اعترافات فرماندهان کودتا، قرار محل تجمع کودتاجیان در تهران، نقش حزب توده در افشای کودتا، تلاش برای روی کار آوردن بختیار، افشای کودتا توسط یک خلبان، چک ۱۰ میلیون دلاری عربستان برای کمک به کودتا و اطلاعات فراوان دیگر در کودتا، بخش‌های خواندنی و عبرت‌آموز تاریخ پس از انقلاب است که فارغ از جنبه‌های سیاسی و تاریخی، می‌تواند سوزه‌های تأثیرگذاری برای آثار سینمایی باشد. کودتای نقاب که قرار بود در ۱۸ ساعات روز ۱۸تیر ۱۳۵۹ عملیاتی شود، ساعاتی پیش از انجام با ضدکودتا مواجه شد و با



امام، رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، نمایندگان مجلس و چند نقطه مهم دیگر را بمباران کنند، رادیو را بگیرند و بختیار خود را به عنوان رئیس دولت جدید معرفی کند. «جنگ بعد از کودتا»؛ این ایده آمریکایی‌ها درباره چگونگی مقابله با ایران بود. این را ناصر رکنی، یکی از عوامل کودتا می‌گوید: «آمریکایی‌ها درباره تقدم و تاخر کودتا و جنگ، به بحث و بررسی پرداختند و اجرای کودتا را در مقدمه قرار دادند، زیرا در صورت موفقیت کودتا دیگر نیازی به تهاجم نظامی عراق نبود. ضمن اینکه شکست کودتا با توجه به نقش محوری ارتش در اجرای

افشای رسمی

شاید تنها مورد مورد روایت رسمی پیرامون کشف کودتا، روایت خلبانی است که قرار بوده در عملیات بمباران تهران شرکت کند اما یک شب قبل از کودتا، به افشای آن نزد آیت‌الله خامنه‌ای می‌پردازد. روایت مکتوبی از این خلبان وجود دارد که در آن به نقشی که برای او در کودتا در نظر گرفته شده بود، اشاره می‌کند و نحوه افشای آن را توضیح می‌دهد: «در آن زمان من در پایگاه هوایی نوزه خدمت می‌کردم. در تهران، به منزل نعمتی رفتم. به من گفت: مأموریت تو بمباران بیت امام و تلویزیون است و ما می‌توانیم تا ۵ میلیون نفر را بکشیم. ما اگر هم لازم شدد در یکی از کشورهای حوزه خلیج‌فارس یا روی ناو آمریکا در خلیج‌فارس فرود بیاایم. من به او گفتم: شما با مردم مخالفید یا با حکومت که این همه کشت و کشتار می‌خواهید بکنید؟ گفت: ما با حکومت مخالفیم ولی هر کس هم که بخواهد مانع کار ما بشود چاره‌ای نداریم جز اینکه همه را بکشیم. این موضوع برای من خیلی نفیسل بود و چون از مخالفت کردن با آنها هم بویژه در منزل نعمتی هراس داشتم، گفتم: من بیت امام را نمی‌توانم بزنم ولی تلویزیون را می‌زنم. پس از کمی صحبت از او جدا شدم و به خانه‌مان رفتم و موضوع را با مادرم که زنی ساده و مسلمان بود در میان گذاشتم. مادرم شدت ناراحت شد و گفت: تو نه تنها این کار را نباید بکنی، بلکه باید خبر بدهی و جلوی این کار را بگیری و اگر اطلاع ندهی شبرم را حالات نمی‌کنم و از تو رضایت ندارم. بالاخره تا ساعت ۱۲ شب با مادرم و برادر کوچک‌ترم درباره این موضوع صحبت می‌کردیم و تصمیم گرفتم موضوع را به جایی یا به کسی اطلاع



بدهم ولی چون نعمتی گفته بود در جاهای مختلف نفر داریم و خیلی‌ها از جمله شریعتمداری این کار را تأیید کرده‌اند، می‌ترسیدم به هر کسی این موضوع را بگویم. تصمیم گرفتم موضوع را به آقای خامنه‌ای بگویم و برای محکم کاری، موضوع را روی کاغذ نوشتم و در خانه گذاشتم و به برادرم گفتم: اگر بلایي سر من آمد و برگشتم به هر ترتیبی شده این موضوع را در جایی خبر بدهد و جلوی این کار را بگیرد. ساعت ۱۲:۳۰ از خانه بیرون آمدم و به کمپته تلفن زدم و گفتم یک خبر خیلی مهمی دارم که باید حتماً به آقای خامنه‌ای بگویم. مرا به کمپته بردند و چون زیاد سؤال می‌کردند، گفتم: من یک خلبان هستم و موضوع برانندازی در کار است. ساعت ۴:۳۰ صبح بود که رفتم منزل آیت‌الله خامنه‌ای و جریان را برای ایشان گفتم و ایشان دیگران را مطلع کردند».

ادعای توده‌ای

پیرامون موضوع کشف کودتا نقاط تاریک و روشن فراوانی وجود دارد. نقش حزب توده در کشف این کودتا و تأثیر آن یکی از موضوعاتی است که بحث پیرامون آن فراوان شده است. فروردین ۸۰ و در نشریه راه توده، برای نخستین‌بار نامه‌ای منسوب به نورالدین کیانوری، دبیرکل حزب توده منتشر شد که در آن به نقش حزب در کشف کودتا اشاره شده بود. حجت‌الاسلام خسروشاهی نیز در گفت‌وگویی در شماره ۵۱ نشریه چشم‌انداز ایران، در این باره می‌گوید: یک بار در جریان کودتای نوزه خود آقای کیانوری به دفتر من آمد و گزارش و تاریخ و محل اجتماع در پارک لاله، بمباران جماران و... را به من داد. من باور نکردم ولی او اصرار داشت که جدی و حتمی است و افزود: «بانویی که قرار است اعلامیه پیروزی کودتا را بخواند، عضو حزب ما است، گزارش‌ها از او است و این اطلاعات کاملاً دقیق است». حسن روزی‌طلب در «صخره سخت...» با بررسی ادعاهای مطرح شده پیرامون نقش حزب توده در کودتا، با اشاره به نقل قول‌هایی از حجاریان (از اعضای اصلی مستقر در کمپته مستقر در اداره دوم) و محمدمهدی کتبیبه (رئیس وقت اداره دوم ارتش)، در این‌باره می‌آورد: فارغ از اطلاعات متناقض افراد حزب توده و بعضاً افرار که نقش خود درباره افشای کودتا، به نظر می‌رسد این حزب اطلاعاتی از کودتا را در اختیار نیروهای امنیتی قرار داده‌اند اما درباره این اطلاعات ۲ نوع قضاوت در نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی وجود دارد؛ سعید حجاریان از اعضای اصلی کمپته مستقر در اداره دوم که نقش مهمی در ستاد ضد کودتا داشت، اطلاعات حزب توده را سوخته، کلی و فاقد ارزش اطلاعاتی می‌داند و اظهار می‌دارد: «توده‌ای‌ها اطلاع داده بودند اما آنها بیشتر کار تبلیغاتی می‌کردند. کاغذ می‌دادند به دفتر بازرگان و رجایی که جلوی کودتای آمریکایی را بگیرند. بعضی وقت‌ها هم خبر می‌دادند که فلان کس روابط مشکوک دارد اما اطلاع دقیق نمی‌دادند. توده‌ای‌ها فقط از یک بخش کودتا

کار واجب یک ارتشی

چپست و تو از کجا می‌دانی؟ او شروع کرد به شرح دادن. گفتم: شما چطور شد آمدی سراغ من؟ او ماجرای خود را تعریف کرد که جالب بود... آثار بیخوابی شب، خلبان گردی، خستگی، افسردگی شدید و سراسیمگی در او پیدا بود. حرفش را مرتب و منظم نمی‌زد و من مجبور بودم مکرر از او سؤال کنم. خلاصه آنچه گفت این بود که در پایگاه همدان اجتماعی تشکیل شده و تصمیم بر یک کودتایی گرفته شده، پول‌هایی به افراد زیادی داده‌اند، به خود من ا خلبان‌ا هم پول داده‌اند. عده‌ای از تهران جمع می‌شوند می‌روند همدان و شب در همدان این کار آنصرف پایگاه هوایی شهید نوزه انجام می‌گیرد. بعد می‌آیند تهران، جماران و چند جا را بمباران می‌کنند. پرسیدم کی قرار است این کودتا صورت بگیرد؟ گفت: امشب و شاید گفت: فردا شب- دقیقاً یادم نیست- من دیدم مسأله خیلی جدی است و بایستی آن را پیگیری کنیم. با اینکه احتمال می‌دادم او حال عادی نداشته باشد یا سیاستی باشد که بخواهند ما را سرگرم کنند اما اصل قضیه اینقدر مهم بود که با وجود این احتمالات، دنبال آن باشیم. گفتم: شما بنشین تا من ترتیب کار را بدهم. (کودتای نوزه، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ چهارم، ص ۲۶۲)



است، می‌گوید که یک ارتشی آمده و می‌گوید با شما یک کار واجب دارد. گفتم: کجاست؟ گفتند: در اتاق نشسته. داخل اتاق پاسدارها شدم، دیدم شخصی دم در تکیه داده به دیوار، کسل و آشفته و خسته و سرش را فرو برده بود. گفتم: شما با من کار دارید؟ بلند شد و گفت: بله! گفتم: چه کار دارید؟ گفت: کار واجبی دارم و فقط به خودتان می‌گویم. من حساس شدم. گفتم: من نمازم را بخوانم، می‌آیم. پس از نماز او را به داخل حیاط آوردم، گوشه حیاط نشستیم. گفت: کودتایی قرار است انجام شود. گفتم: قضیه

رهبر حزب توده:

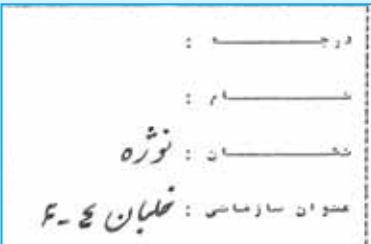
خطر کودتای خانئانه را نباید ناچیز شمرد



که شاخه سیاسی‌اش بود و هدایتش با نصرالله قادسی بود اطلاع داشتند. آنها مثلاً در یکی از زیرشاخه‌ها منبع داشتند و اخبار جلسات آنها را می‌دادند اما اطلاعات کامل نداشتند. در ارتش نفوذی داشتند. چیز عجیبی نبود اما در چه ردای حضور داشتند کسی نمی‌دانست. خودشان می‌گفتند زن یکی از رفقا که در فلان جلسه حضور داشته نقل کرده که فلان چیز را گفته‌اند. اطلاعات دقیق نمی‌دادند و نمی‌گفتند در چه ردای نفوذی دارند، البته در آن زمان هنوز توده‌ای‌ها مسأله ما نبودند نه چرپ‌ها و نه توده‌ای‌ها و نه سازمان مجاهدین خلق برای ما غیر خودی نشده بودند، تازه انقلاب شده بود». از سوی دیگر محمدمهدی کتبیبه، رئیس وقت اداره دوم ارتش که محل تجمع اطلاعات درباره کودتا بوده، اطلاعات حزب توده را دقیق و کارگشا می‌داند: «ما یک رابطی با حزب توده داشتیم که او تقریباً این خبر را به ما داده بود. مدارکش در اداره دوم هست یعنی ایشان رابطاً هر از گاهی رنگ می‌زد و ما یک نفر را می‌فرستادیم؛ یک افسری به نام «ضایی» داشتیم، می‌رفتند در بیرون یک صحبت‌هایی با هم می‌کردند و اطلاعات را برای ما می‌آوردند. کودتای نوزه حتی تاریخ و ساعت و وضعیتش را هم مشخص کردند. البته همین خبر را به نحوی دیگر به رئیس‌جمهور بنی‌صدر هم داده بودند».

خلبان که بود؟

اینکه خلبان مذکور که بود، یکی از نکاتی است که در روایت‌های رسمی، به دلایل مختلف، نسبت به آن بی‌توجهی شده است. حسن روزی‌طلب در کتاب «صخره سخت، بررسی پرونده‌های امنیتی در جمهوری اسلامی» با ذکر یک گفت‌وگو از یک فرمانده سابق ارتش، به نام این خلبان اشاره می‌کند: «عباس دهقان»، شخصی که به حمید نعمتی، مسؤول عملیات نیروی هوایی بسیار نزدیک بود و تقریباً اکثر اعضای ارشد کودتا را می‌شناخت و این مسأله کمک بسیاری به کشف عناصر کودتا کرد. امیرعبدالله نجفی، فرمانده سابق نیروی زمینی ارتش در خاطراتش اظهار می‌دارد: «قبل از اینکه پایگاه هوایی وارد عمل شود، خلبانی به نام عباس دهقان با تلاش فراوان نزد حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌رود و به ایشان اطلاع می‌دهد چنین قضیه‌ای از پایگاه همدان می‌خواهد انجام شود. خلبان دهقان مدتی وابسته نظامی ارتش جمهوری اسلامی ایران در کره‌شمالی بود. ایشان در حال حاضر با درجه سرتیپی مشغول به خدمت هستند» (پا به پای آزادگان، خاطرات امیر سرتیپ عبدالله نجفی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۱۶)



دست سیا در آستین کودتا

درباره نقش سازمان «سیا» و سایر کشورهای خارجی در این کودتا، ستوان ناصر رکنی در اعترافاش می‌گوید: «۲ الی ۳ ماه بعد از پیروزی انقلاب، اولین تماس بین مأموران سیا و یکی از دوستان بنی‌عامری در اروپا برقرار می‌شود و آنها بنی‌عامری را با بختیار مرتبط می‌کنند. تمام هماهنگی‌های لازم بین کشورهای عضو بازار مشترک اروپا و ستاد دکتر بختیار در پاریس از طریق «سیا» انجام می‌گرفته است. هماهنگی بین اسرائیل و کشورهای مرتجع منطقه نظیر عربستان، مصر و عراق، توسط نماینده سازمان «سیا» که در دفتر دکتر بختیار در پاریس است انجام می‌گرفته است». «رضا مرزبان» از عناصر ستاد سیاسی بختیار بوده و اواسط بهمن ماه ۱۳۵۸ به پاریس عزیمت کرد تا بختیار را در جریان تحولات ایران قرار دهد. در پی سفر مرزبان به پاریس و اطلاع بختیار از شرایط تازه کشور، بنی‌عامری نیز پانزدهم اسفند ایران را به قصد فرانسه ترک کرد، او در پاریس با اعضای ستاد نظامی بختیار یعنی تیمسار امیرفضلی (رئیس هواپیمایی ملی در دولت شریف‌امامی) و سرهنگ بای‌احمدی و پالیزبان و نیز با خود بختیار، جواد خادم- و ملاقات و گفت‌وگو کرد. گزارش‌بنی‌عامری از تدارکات فراهم شده در نیروهای مسلح، کمک تحلیل مرزبان از وضعیت آسیب‌پذیر جمهوری اسلامی شد و ستاد بختیار را



به این نتیجه رساند که در بهار آینده (۱۳۵۹) این «تزلزل» در اوج است و چون از یکسو جمهوری اسلامی در بعد داخلی رو به فرسایش است و در بعد خارجی با فشارهای سنگین سیاسی و اقتصادی ناتو در آمریکا و خطر نظامی رژیم عراق مواجه است و از سوی دیگر زمینه‌هایی نیز بین برخی نظامیان و رجال سیاسی و تعدادی از روحانیون فراهم آمده، لازم است طرح اول تا نتیجه انجام «کار بزرگ» به بونه تعویق سپرده شود. کم و کیف «کار بزرگ» به‌واسطه فرار قادسی (از مسؤولان کودتا) از ایران همچنان پوشیده ماند ولی پس از شکست ماجرای طیس و متعاقب ملاقات سفسرای آمریکا و انگلیس در پاریس با بختیار برای کودتا، ضرب‌الاجل آن تعیین شد.



یاسخ امام خمینی:

بسم‌الله الرحمن الرحیم، مراتب فوق مورد موافقت است. امید است خانواده این اشخاص در دامن اسلام و ملت اسلامی با رفاه زندگی کنند و سعادت خویش را در دنیا و آخرت تأمین کنند. از خداوند تعالی سعادت و سلامت ملت مسلمان را خواهیم. ۱۲ بهمن ۵۹، روح‌الله الموسوی‌الخميني (منبع: صحیفه امام، ج ۱۴، ص: ۴۴)

مبلغ ۵۰ هزار ریال به خانواده‌ها پرداخت شود.

۳- وامی جهت خرید خانه به خانواده‌ها پرداخت و در ازای بازپرداخت این وام مقدار کمی از مستمتری آنها کم شود. ضمناً گزارش هیأت بررسی مشکلات خانواده‌های معومین به پیوست جهت مقتضیات اوامر عالی تقدیم می‌گردد- وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران- سرهنگ خلبان جواد فکوری

انجام شده و پیشنهادها را به عرض می‌رساند...

پیشنهادها:

۱- چون سکونت این عده در خانه‌های سازمانی مغایر با اصول حفاظتی بوده، برای سهولت بیشتر آنان قرار شد منازل سازمانی آنها تخلیه شود.

۲- با توجه به هزینه زندگی و مسکن، به هر خانواده با یک فرزند مبلغ ۳۰ هزار ریال و در ازای هر فرزند اضافی

نامه وزیر دفاع، سرهنگ خلبان جواد فکوری:

بسمه تعالی، پیشگاه امام خمینی رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران

پیرو اوامر آن رهبر درباره بررسی وضع بازماندگان معدومین کودتای نافرجام، به ۸ نفر از پرسنل نیروی هوایی، تیپ نوه‌د و نیروی زمینی جمهوری اسلامی مأموریت داده شد که به پیگیری این امر بپردازند. اینک خلاصه اقدامات